

عکاسی

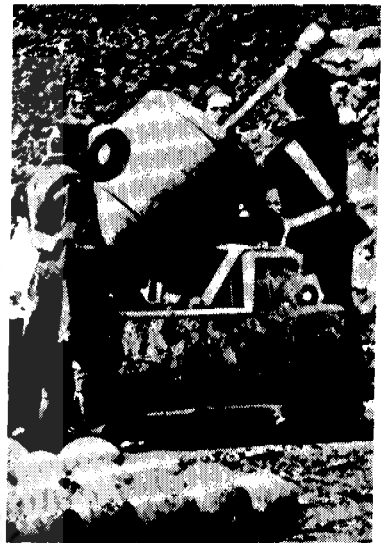
عکس، شاهد زمان

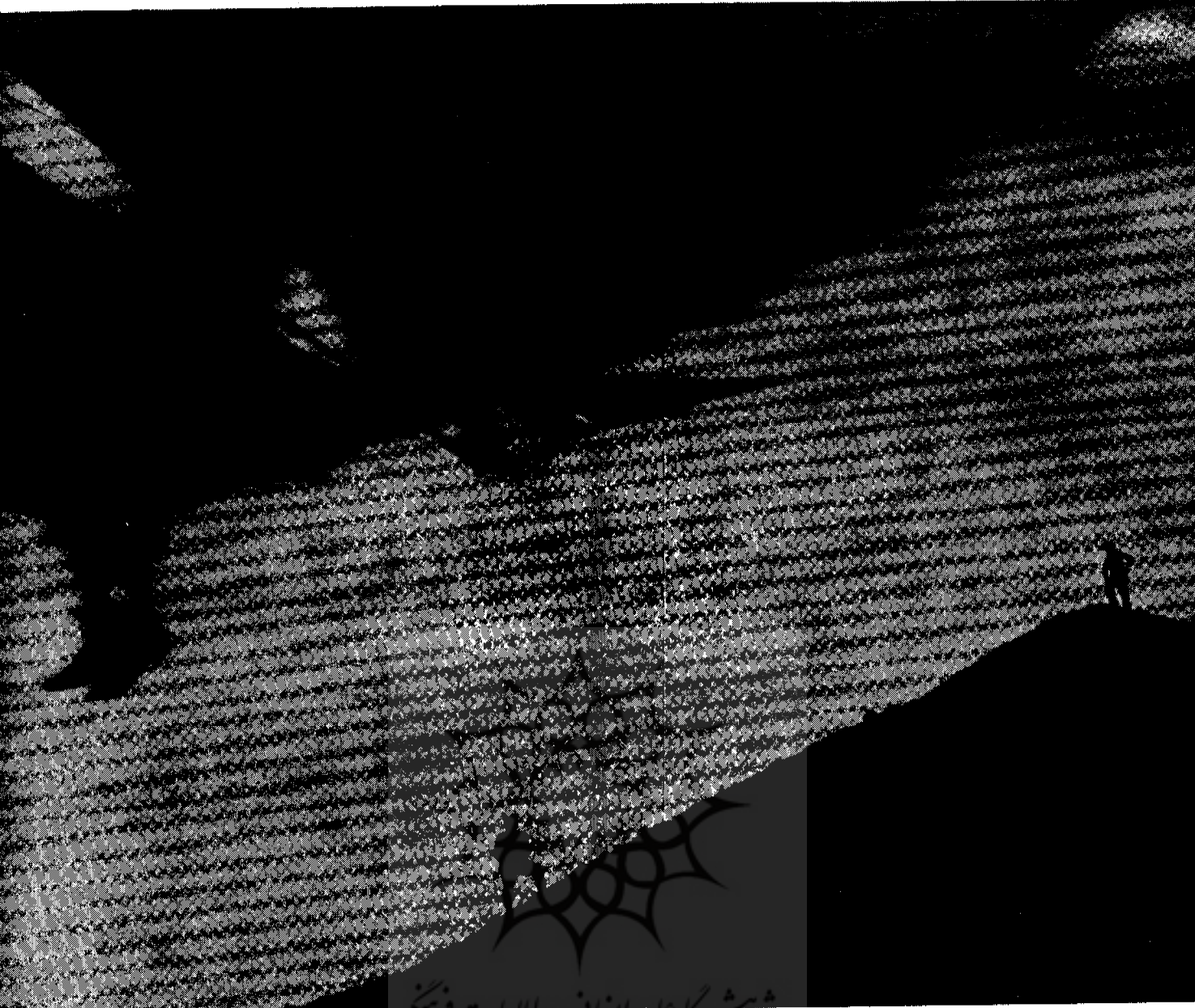
هادی شفائیه

در حقیقت، عکس اطلاعاتیه ویا گواهی عینی است از لحظه‌یی که گذشته یعنی از یک لحظه پیش تا لحظات بسیار دور. این نوع جدید تصویر، در میان اسناد ومدارکی که از قرن‌ها واعصار، خواسته یا ناخواسته، برای ما باقی مانده، انقلابی ایجاد کرده است وما، برای کوشش در راه بهتر شناختن زمان‌های گذشته، آنرا بررسی میکنیم.

با وجود عوامل مخرب زمان وانسان، که اکثر آثار را از بین برده است، مدارک عینی بسیاری از زمان قدیمی‌ترین

تصاویر اولین ربرناز جنگی. این توپ‌ها هر نیم ساعت یکبار آتش میکرد زیرا هشت کیلو باروت که هر دفعه آتش میگرفت آنرا چنان گرم میکرد که ۳۰ دقیقه برای سرد شدن وقت لازم داشت





برلین

در تصویر را حتی بدون کمترین جر و بحث در مورد اصالت آنها ، می پذیرد .

به موجب عقیده‌یی که عموماً اظهار میشود ، عکس خصوصیت یا کاراکتری کاملاً جدید عرضه میدارد که عبارتست از « قدرت اقتناع و یا اعتبار »^۱ .

این خصوصیت حاصل تسخیر و تصرف بیطرفانه و مستقیم حقیقت و واقعیتی است که مداخله‌ی انسان در آن ناچیز میتواند باشد . همه چیز ، هم‌چنانکه هست ، بدون هیچگونه دگرگونی ، بر روی فیلم منعکس میشود . به کارگرفتن عناصر فنی ، که به رپرودوکسیون ناقص حقیقت رهنمون میشود و وجود عکاس

نقاشی‌ها بردیوارهای غارها ، با حفظ فرم‌های اصلی ، تا به امروز باقی مانده است ، درحالی‌که روایات و رسوم و عقاید و عادات آبا و اجدادی ضمن طی مراتب « دهان - گوش - دهان . . . » دچار چنان تغییراتی شده که تنها پس از بحث‌ها و کنترل‌ها و کاوش‌های زیاد میتواند مورد اعتماد باشند .

امروزه ، عکس ، زندگی انسان را فراگرفته و یکی از عناصر متداول ارتباطی شده است ؛ تا حدی که دیگر کسی را در مورد ارزش آن شکی نمانده . اکنون ، شناختن و بازیافتن عناصری که تعیین‌شان به سهولت ممکن است در روی تصاویر عکاسی برای هر تماشاگر عادی شده چنانکه او اطلاعات محتوی

که گرفتن عکس را انتخاب کرده است در اینجا به حساب نمی آید. عکاس همواره همراه دوربین خویش گردش میکند و از صحنه‌هایی که در برابر دیدگانش قرار می‌یابد و بر حسب محتوای خود به نظر او جالب می‌آید عکس می‌گیرد و بدین ترتیب به عنوان شرکت کننده یا گواهی در زمان خویش - بدون اینکه همیشه کاملاً آگاه باشد - ارزش خاصی بدانها می‌بخشد. او پیش از هر چیز در جستجوی تثبیت يك لحظه است و از آنچه می‌خواهد انجام دهد به خوبی مطلع است و دلایل کار خود را میداند. عکاس آما تورتصاویر را بیشتر برای آلبوم خانوادگی، که معمولاً مهمانها با تماشای آن خود را سرگرم میدارند، انتخاب میکند: زندگی بچه‌ها، خاطره‌ی مهمانی‌ها، تعطیلات و مسافرت‌ها با دقت و اهتمام ثبت میشود. عکاس حرفه‌ی نیز به نوبه‌ی خود میل دارد آثاری از صحنه‌ی را که دارای اهمیت عمومی‌تر است و خاطره‌ی آن محو و ناپدید خواهد شد با خود بیاورد. عکاس بزرگ امریکایی ادوارد وستون، که با تصاویر و نوشته‌هایش راههای جدیدی در این هنر گشوده است می‌گوید: «عکس وسیله‌ی ثبت لحظه‌هاست، لحظه‌ی مهم، لحظه‌ی منحصر به فرد میان همه‌ی لحظات که در آن موضوع شما کاملاً الهام شده است، لحظه‌ی کمال که یکبار می‌آید و دیگر تکرار نمیشود.» وستون بر روی زمان، که عنصر اصلی و قابل توجه تصویر است، تأکید میکند. مکان دوباره میتواند بررسی شود و چون عوامل مهم دیگر به دفعات از نظر بگذرد، اما لحظه دوباره به دست نمی‌آید.

اهمیت تصمیم کسی که در يك لحظه‌ی مشخص دگمی دوربین را فشار میدهد تا آنچه را وجود داشته ثبت کند، در انتخاب تصویر تجلی مینماید. با این تصمیم‌گوشه‌ی از دنیا، از زاویه‌ی مشخص با تنظیمی معین گرفته و بر روی امولسیون معلومی ثبت شده است. شخصی در پی جستجوی تصاویر آنجا بود که نگاه و انتخاب میکرد. او خود در جریان حادثه سهمی نداشت، بلکه تماشاگر ممتازی بود که وسیله‌ی عکسبرداری داشت و میتوانست آنرا به کار گیرد. و بالاخره از میان تصاویری که گرفته چند تایی را به عنوان نتیجه‌ی نهایی کوشش خود چاپ و ارائه میکند. ژرمن کرول^۲، که با تصاویرش آثار مهمی از خود به جای گذاشته است، مینویسد: «عکاس يك شاهد است، شاهد زمان خود.»^۳

هر عکاس خبرنگاری است که خود از آن بی‌اطلاع است، او میتواند خبرنگاری خوب یا بد باشد، چشمانی باز داشته باشد و یا از برابرموضوعات بدون دیدن آنها بگذرد. اما تمام آنچه بر روی «آینه‌ی خاطره» ثبت شده در اصل صحنه‌ی داشته‌که در لحظه‌ی موجود بوده و انعکاسی از آن به ما ارائه شده است. اولین تصاویر خبری به‌دو نفر آلمانی Friedrich Stelzner و Hermann Biow مربوط میشود که در سال ۱۸۴۲، از

خاربه‌های هامبورگ در نتیجه‌ی آتش سوزی چهار روزه تهیه کرده‌اند. اولین فتو - رپرتاژ را به Hill ، Adamson نسبت میدهند که از برپاداشتن بنای یادبود Sir Walter Scott در سال ۱۸۴۳ - ۴۴ تهیه شده است.^۴ اولین تصاویر رپرتاژ جنگی را R. Fenton از سیاستپول در جنگ روسیه با دولت عثمانی و انگلیس و فرانسه تهیه کرده است.

اما اولین عکس‌ها در تاریخ اثر مخترع عکاسی در شاتون Nicéphore Niepce فرانسوی است که از پنجره‌ی اطاق خود در شاتون گرفته است. تصاویر مزبور قدیم‌ترین سند عکاسی است (۱۸۲۶) که بدست ما رسیده و با وجود واضح نبودنشان، مدارک مهم و با ارزشی هستند که نه تنها از تاریخ عکاسی بلکه در مورد گیرنده‌ی آن و زمانش نیز اطلاعاتی به ما میدهند.

در نتیجه‌ی نفوذی که امروزه مطبوعات کسب کرده بیشک قضاوت ما دچار دگرگونی‌هایی میشود. همینکه کلمه‌ی «شاهد» بر زبان می‌آید بلافاصله به خبرنگار عکاس می‌اندیشیم که باید محل واقعه را بما نشان دهد. عادت کرده‌ایم در روزنامه‌ها و مجلات تصاویری به بینیم که وقایع را بطور عینی برای ما آورده باشد و بما امکان دهد، پس از نگاهی سریع، بدون خواندن مطلب آن، تصور کنیم که از خبر اطلاع یافته‌ایم.

عکاس حرفه‌ی کار خود را به وقایع‌نگاری محدود نمیکند و تأثیر عکس‌هایش همیشه به اندازه‌ی تصاویر آتش سوزی و انفجار کشتی‌هوایی هیندنبورگ در ۱۹۳۷ نیست. بلکه میتواند مثلاً شهری را مورد مطالعه قرار دهد (مانند Charles Marville پاریس ۱۸۶۷ - Thomson لندن ۱۸۷۶ - Bénérice Abbot نیویورک نیم قرن بعد) و یا چهره‌های مردان مشهوری را برای ما بسازد (چون Daumier از Baudelaire - Nadar از Carjat - Lenine از Ocup).

Sougez عکاس فرانسوی می‌گوید: «رپرتاژ، گزارش عینی يك واقعه است، میتوان گفت شهادت شخصی کسی است که آنرا دیده و برای کسانی که ندیده‌اند آورده است.» این مدرک هم‌چنین برای دیگر شاهدهایی که خاطر ایشان را نمیتوانند به وضوح به یاد آورند جالب است. درسایه‌ی عکس، حادثه را در فرصت و بمدت زیاد میتوان تماشا و مطالعه کرد. بدینگونه‌گاهی در میان جمعیت به چهره‌ی برمیخوریم که قبلاً ندیده بودیم و به جزئیاتی متوجه میشویم که پیشتر از

1. E. FULCHIGNONI "La civilisation de l'image" Paris, 1969
 2. GERMAINE KRULL
 3. "Pensée sur l'art", Paris 1931
 4. The Illustrated London News
- این روزنامه در لندن بنا به تعریف شاهد‌ها طرحی منتشر کرد.
5. Victorian and Edwardian Scotland, from old photographs



پاریس ۱۹۱۱

خود را در میان بازوان گرفته است. « در زمان يك قحطی در مدرس اثر Werner Bischof یا « معجزه در یونان » اثر Ernst Hass که در کلیسای Tinos چهره‌های تماشاگران را، در برابر دختری که بینایی خود را بازیافته و بازوان فلجش به حرکت درآمده، نشان میدهد.

عکاسی که خبری را به شیوه‌ی خود بازگو میکند همچنین میتواند آنرا بیافریند. حضور وی در محلی، در زمانی معین، میتواند « شبه - حادثه » ای به وجود آورد. زیرا تعداد اطلاعاتی که مرتباً باید به مردم ارائه شود لازم است تقلیل نیابد. تولید حوادث در اختیار ژورنالیست نیست ولی معرف آن از طرف خوانندگان روزنامه و مجلات ثابت است. برای ایجاد موازنه، جستجو و یا « شکار خبر » آغاز میشود و اخباری نه چندان قابل توجه در برابر اثر کتیف دوربین‌ها قرار میگیرد، تا جاییکه اهمیت غیر طبیعی کسب میکند.

عکس مستند میتواند به علت یکی از عناصر خود جالب باشد. همچنانکه گسترش يك کلمه در زبان علامت مشخصه‌ایست که کارشناسان توجه خود را روی آن متمرکز میسازند، پیدایش يك فرم و يك لباس یا يك شیئی در روی تصویر نیز امکان مطالعه و شناسایی گسترش آنها را فراهم میکند.

يك عکس تنها بعلمت محتوای خود « شاهد زمان » تلقی نمیشود، بلکه خود عکس نیز يك گواه بشمار میرود. اغلب فراموش میکنیم که هر چیزی شاهد عصر و زمان خویش است؛ مانند کتابی که در طی قرن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده است - خواه مورد توجه قرار گیرد و خواه در گوشه‌ی

آن به چشم نخورده بود. Talbot، یکی از پیشروان عکاسی میگوید: « اغلب پیش میآید - و این یکی از جاذبه‌های عکاسی است - که عکاس وقتی آنچه را که خود رسم کرده به دقت مورد مطالعه قرار میدهد چیزهای بسیاری در آن کشف میکند که در موقع گرفتن هیچگونه آگاهی و تصور ذهنی از آنها نداشته است. »

زمان، کاوش عمیق‌تر يك صحنه را اجازه میدهد و اگر اندیسمان، در سایه‌ی زمان و ابعاد، عناصری را که درك و فهم آن مشکل و حتی غیر ممکن بود پدیدار میکند.

اثر کتیف نسبت به عواطف و هیجان‌ها بی‌احساس است؛ خون سرد و بی‌حس در ادراك تأثرات و تألمات، بر حسب سفارش صحنه را ضبط و ثبت میکند. اما دید راهنمایی شده‌اش انحصاری و خاص شخص گیرنده است؛ عکاس شهادت « خویش » را همراه میآورد؛ لازم است از نو، دوباره و بیشتر، معلوم و تعیین شود که این گواهی مبتنی بر چیست؟

ممکن است تصویر يك حادثه‌ی معین مانند جشن ملی، رژه‌ی نظامی، تظاهرات سیاسی و نظایر آن بما عرضه شود؛ در اینجا تصویر کلاً جلب نظر خواهد کرد. همچنین، تصویر میتواند پرتره‌ی شخص مشهوری باشد و یا منظره‌ی ساده و یا حتی رهگذری را در يك کوجه نشان دهد. صحنه‌ی که در نگاه اول بسیار عادی و مبتذل بنظر میرسد گاهی سرشار از حقیقتی است که چون بمب منفجر میشود. مانند تصویر بی‌نامی که « زندانی دیوانه‌ی يك اردوگاه اسیران » را به هنگام آزادی نشان میدهد. یا تصویر « يك زن هندی سرگردان که کودک

متروک بماند - سالنامه‌ها، نامه‌های خصوصی، صورت‌تصاحب‌ها، برجسب‌ها، طراحی‌های عامیانه . . . و خلاصه هر چیزی که در زمان معینی وجود داشته، خواه در آن موقع اختراع شده و خواه از گذشته رسیده باشد.

از صدوپنجاه سال اخیر مدارک و اسناد زیادی به جای مانده که هنوز بررسی و تجزیه‌ی لازم درمورد آنها به عمل نیامده است، نه از طرف انسان و نه از طرف زمان. در میان اشیایی که باقیمانده ارزش و اهمیت عکس‌ها قابل توجه است. در سالهای ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ یک نمایشگاه سیار عکس از طرف Art Gallery of Ontario, Galerie nationale du Canada تحت عنوان The Photography as Object ترتیب یافته بود که بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت.

پیش از هر چیز، عکس دارای تاریخچه‌ی خود است که از جهات و نقطه نظرهای گوناگون میتواند مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. تکنیک در تمام ادوار بطور کلی همواره بر تکامل عکس حکومت کرده است: جعبه‌ی سنگینی که اولین داگرو - نای بیست‌ها^۷ به زحمت با آن در کوزه‌ها می‌گشتند اینک به دستگاه ظریفی تبدیل شده که به راحتی در جیب لباس جای می‌گیرد. عکسبرداری که با شیشه‌های قدیمی تاگ‌تک و بدکندی انجام میگرفت امروز با وجود فیلم‌های مدرن، بسیار سریع و متنوع است.

جنگ داخلی اسپانیا ۱۹۳۷



تاریخ یک عکس را از روی موضوع آن میتوان تعیین کرد. اغلب میتوان گفت به کدام ملت تعلق دارد و حتی گیرنده‌ی آن کیست. سبک‌های مختلف ظاهر میشود، برهم تأثیر می‌گذارند، تکامل می‌یابند و از بین می‌روند. تاریخ یک هنر، که از تاریخ تکنیک جدا نیست، هنوز قلمرو خاص چند متخصص است. عکس، خودبخود نام خویش را در چهارچوب زمان خود به ثبت میرساند زیرا انعکاسی است از آفرینندگان خود، خواه مشهور خواه ناشناس. از نگاتیف‌های بیشمار که تاکنون بوجود آمده آتمسفر عمومی عصر و زمان احساس میشود.

در یک عکس، تنها موضوع آن مطرح نیست، بلکه «چگونگی» عکسبرداری و «چرا»ی آن نیز مورد بحث است. در میان اسناد و مدارکی که برای شناسایی یک عصر، یک کشور، یک گروه اجتماعی و حتی یک شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد، عکس جای مهمی اشغال میکند. حتی برای نقاشی مانند دگا، دقت در عکس‌ها مطالعه‌ی بهتر آفرینش آثار او را ممکن می‌سازد و برای یک نویسنده در بررسی فرهنگ و ادب، متن‌ها در کنار شعرها، مقاله‌ها و رمان‌ها جای نخست را اشغال میکند، اما عکس‌هایی که گرفته‌است، به شرط قراردادن در موقعیت عصر و زمان، از نظر فرم و موضوع، میتوانند روشنایی تازه‌ی بر انسان و کارش بیندازد. بی‌فایده نیست اگر بدانیم Lewis Carroll که جز عکس دختر بچه‌ها را نمی‌گرفت، با تکنیک و اطمینانی کامل تصاویر زیبا و پراحساسی از خود بجای گذاشت. اما همه‌ی نگاتیف‌هایی را که بیشتر به دلش می‌نشت پاره کرد و هیچیک از آنها بدست ما نرسید.

امیل زولا صدها عکس گرفته از پرتله‌های دوستان تا صحنه‌های خانوادگی، تصاویر مسافرت‌ها و مناظر پاریس. نگاتیف‌های مزبور نگاه‌هایی را که زولای زنده بر روی موجودات محبوب خود و همچنین دکور هستی و زندگی خویش کرده بود به ما باز می‌گرداند^۸، درام نویس سوئدی Strindberg سورامپرسیون‌های غیرقابل تصور و پرتله‌های دلهره‌آوری دارد^۹ رمان نویس ایتالیایی Verga از خانواده و دوستان و مناظر سیسیل عکس‌های جالب و پرازش گرفته است^{۱۰}.

Valery، شاعر نامی و عکاس آمانور، از عکاسی چون متخصصی سخن می‌گوید و برناردشاو، که این فن را به کار گرفته، نظرات بسیار جالب و پرتنظیر درباره‌ی آن دارد.

6. The Pencil of Nature, London 1844 New York 1969
7. Daguerrotypiste
8. Zola, Henri MITTERAND & Jean VIDAL Paris, 1963
9. August Strendberg son fotograf Stockholm, 1963
10. Giovanni Verga fotografo Milan, 1970